**نام مقاله: بررسي راهكارهايي عملي به منظور فعال شدن كتابخانه هاي مدارس شهر زاهدان و توسعه فرهنگ مطالعه**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 49 \_ شماره اول، جلد 13**

**پديدآور: رضا حكيمي، محمد علي طبسي**

**چكيده**

**پژوهش حاضر به روش تحقيق شبه تجربي و با هدف بررسي راهكارهاي عملي براي فعال نمودن كتابخانه هاي مدارس زاهدان و توسعه فرهنگ مطالعه انجام گرفته است. زمان مطالعه از اول مهر ماه لغايت بهمن ماه 1385 بود. جامعه آماري پژوهش را 16 دبيرستان دولتي داراي كتابخانه شهر زاهدان تشكيل مي داد كه در همه پايه هاي تحصيلي دانش آموز داشتند و به عنوان نمونه 6 دبيرستان بطور تصادفي براي آزمون فرضيه‌ها انتخاب گرديد.**

**سه راهكار عملي براي فعال نمودن كتابخانه هاي مدارس و توسعه فرهنگ مطالعه به عنوان فرضيه مورد آزمون قرار گرفت. اين فرضيه ها عبارت بود از:**

**1. پاسخ به سؤالهاي كتابهاي درسي بر مبناي كتابهاي غير درسي و مواد مكمّل آموزشي**

**2. به كارگيري كتابداران متخصص و علاقه‌مند در كتابخانه‌هاي مدارس**

**3. تشكيل بعضي از كلاسها در كتابخانه هاي مدارس مجهز به مواد آموزشي مناسب.**

**براي آزمون فرضيه‌ها، نخست دو گروه مورد آزمون (تجربي و كنترل) انتخاب شد. حجم نمونه در هر گروه 120 نفر بود كه از پايه هاي مختلف، بطور تصادفي انتخاب شدند. پس از ثبت نمرات پيش آزمون و پس آزمون، از گروه‌هاي تجربي و گواه از آزمون مربع كا و تست دقيق فيشر استفاده شد. اين مطالعه نشان داد در هر كدام از فرضيه‌هاي فوق، تفاوت معناداري بين گروه‌هاي مورد آزمون وجود دارد.**

**كليدواژه‌ها: كتابخانه‌هاي مدارس، توسعة عادت مطالعه، راهكارهاي عملي، فعال شدن كتابخانه‌ها، مواد آموزشي، زاهدان.**

**اهميت و ضرورت مسئله**

گرايش به كتاب و مطالعه، از عوامل مهم رشد جوامع وميزان دستيابي به اطلاعات، از مؤلفه‌هاي توسعة ملي قلمداد مي‌شود (خسروي، 1381: ص31).

عادت به مطالعه و داشتن روحية تحقيق و پژوهش، معمولاً اغلب در دوران مدرسه رقم مي‌خورد. در مدارس است كه زمينه‌هاي تفكر انتقادي و بسترهاي مناسب توليد دانش فراهم مي شود.

پرداختن به اين مسئله اهميت و ضرورت خاصي دارد، زيرا ارائه راهكارها عملي براي فعال نمودن كتابخانه‌هاي مدارس و توسعة كتابخواني مي‌تواند مفاهيم درسي را عميق و وسيع كند. تعامل بين كتابدار مدرسه و معلم سبب تهيه منابع آموزشي مكمل مواد درسي شده و به دانش آموزان فرصت مي‌دهد براي سؤالهاي كتابهاي درسي پاسخهايي متفاوت از كتابهاي غير درسي فراهم آورند. به عبارتي، زمينه‌هاي مشاركت فعال دانش‌آموزان را در كلاس درس فراهم مي‌آورد. ايجاد تفكر انتقادي، گسترش فرهنگ مطالعه و در نهايت پويايي آموزش و پرورش، در گروِ فعال شدن كتابخانه‌هاي مدارس است. از اين رو، راهكارهاي عملي براي فعال نمودن كتابخانه‌هاي مدارس استان كه هدف اين پژوهش مي‌باشد، اهميت ويژه‌اي دارد.

**فرضيه‌هاي پژوهش**

1. پاسخ به پرسشهاي كتابهاي درسي از زواياي گوناگون و منابع مختلف كتابخانه‌اي، در فعال كردن كتابخانه مؤثر است.

2. ايجاد انگيزه و تبليغ كافي كتابداران مدارس به منظور شناسايي كتابخانه و منابع مختلف آن به دانش‌آموزان، در پويايي كتابخانه مؤثر است.

3. تشكيل بعضي از كلاسهاي درس در محيط كتابخانه، در پويايي كتابخانه هاي مدارس مؤثر است.

**ادبيات تحقيق**

**مقدمه**

نخست به جايگاه و رسالت كتابخانه هاي مدارس از ديدگاه ايفلا و يونسكو مي‌پردازيم: كتابخانه‌هاي مدارس اطلاعات و انديشه هايي را كه براي كاركرد موفقيت‌آميز جامعة اطلاعاتي و دانش محور امروز جنبة اساسي دارد، فراهم مي‌سازند. كتابخانه‌هاي مدارس دانش‌آموزان را به مهارتهاي يادگيري مادام العمر مجهز مي‌كنند و تخيل خلّاق آنان را گسترش مي‌دهند و بدين ترتيب آنان را براي زندگي به عنوان شهرونداني مسئول آماده مي‌سازند. رسالت كتابخانه‌هاي مدارس، ارائه خدمات و عرضه كتابها و منابع آموزشي است. بدين ترتيب، شرايطي فراهم مي‌آورد تا از اعضاي اجتماع مدرسه، متفكراني خلاق بپرورد و كاربراني تربيت كند كه از اطلاعات كتابها وساير رسانه‌ها به طور مؤثر بهره گيرند. كتابخانه‌هاي مدارس، بايد با فراهم كردن منابع اطلاعاتيِ كمك آموزشي يا داستاني، تقويت‌كننده كتابهاي درسي، مواد آموزشي و روشهاي تدريس باشند (نشاط و حري،1383:ص.39)

شواهد نشان مي‌دهد هرگاه كتابداران و معلمان با يكديگر همكاري كنند، دانش‌آموزان به سطوح بالاتري از سواد، توانايي خواندن، قدرت فراگيري، مهارتهاي حل مسئله و استفاده از فناوريهاي اطلاعاتي و ارتباطي دست مي‌يابند.

به نظر مي‌رسد چنانچه شيوه‌هاي تدريس معلمان به گونه‌اي باشد كه دانش‌آموزان فرصت سؤال و جواب داشته باشند و پاسخهاي آنها قالبي و تنها بر اساس متون درسي نباشد بلكه دانش‌آموزان بتوانند پاسخها را از منابع مختلف جستجو كنند، مطالعه براي آنها لذت‌بخش خواهد بود و در نتيجه نياز به مطالعه در آنها افزايش پيدا خواهد كرد.

**ادبيات تحقيق در داخل كشور**

تحقيقات انجام شده در ايران، اغلب به بررسي وضعيت موجود كتابخانه‌هاي مدارس، نقصها، كاستيها و علتهاي آن پرداخته‌اند، اما راه‌هايي عملي براي پويايي كتابخانه‌ها ارائه نكرده‌اند. «شعباني» به نقل از «مفتخر» نوشته است: «پويا نبودن محتواي كتابها درسي، شيوه هاي تدريس سنتي و غير فعال معلمان، مسئوليتهاي حاصل از سنگيني درسها و محيط پرجمعيت خانواده، مانع كتاب خواندن دانش‌آموزان دبيرستاني شهر تهران شده و باعث گرديده بيش از 50% دانش‌آموزان به كتابخانه مراجعه نكنند» (شعباني، 1381: ص 47-55).

«بيگدلي» (1381: 25) يكي از علل بي‌رغبتي دانش‌آموزان مدارس راهنمايي و دبيرستانهاي شهر اهواز را نبود كتابداران متخصص در كتابخانه‌هاي مدارس مي‌داند. او مي‌افزايد، براي پويايي كتابخانه و توسعه فرهنگ مطالعه بايد كتابخانه هاي مدارس جزء لاينفك آموزشگاه تلقي شوند و نقش و جايگاه آموزشي آنها براي مديران و معلمان روشن شود.

«نشاط و حري» (1383: 74) برآنند كه آموزش كيفي تنها از طريق دانش بسته‌بندي شده كه براي دانش‌آموزان تجويز شده است، حاصل نمي‌شود. كتاب درسي، هر چند خوب تهيه شده باشد، برآيند نظرات تدوين‌كنندگان آنهاست، در حالي كه دانش آموزان به عنوان عنصري اجتماعي، حق دارند با ديدگاه‌هاي ديگر و تعبيرات گوناگون از پديده‌ها يا رويداد واحدي آشنا شوند. تنها راه ممكن، ياري گرفتن از مواد كتابخانه‌اي است. در كتابخانه، دانش‌آموز خواهد توانست از كلية جوانب و ديدگاه‌هاي مرتبط با مسائل آگاه شود. كتابخانه مي‌تواند با مواد و اطلاعاتي كه فراهم مي‌كند، مطالب درسها را غني و روزآمد كند. از طريق آموزش صحيح، مي‌توان به دانش‌آموزان آموخت كه چگونه مطالب را شناسايي و ارزيابي كنند و يافته‌هاي خود را به زباني ساده و قابل درك ارائه دهند. اين دو باور دارند كه فراگيري نحوة يافتن پاسخ، بيش از خود پاسخها اهميت دارد. در هر حال، كاوش و دانش عضو يك گروهند. آنها را به سادگي نمي‌توان از هم جدا كرد، يا دست كم نمي‌توان به طور كامل جدا كرد. از اين‌روست كه بين كتابخانه‌هاي مدارس و برنامه‌هاي درسي آنها رابطه‌اي مستقيم وجود دارد. (نشاط و حري، 1383: ص72).

مطالعة «شعباني» (1381: 50) نشان مي‌دهد يكي از راه‌هاي فعال شدن كتابخانه هاي مدارس و توسعه فرهنگ مطالعه در كشور، تغيير شيوه تدريس معلمان است. اين مطالعه مي‌افزايد، اگر شيوه‌هاي تدريس معلمان به گونه‌اي باشد كه به دانش‌آموزان فرصت سؤال و جواب بدهد، پاسخها قالبي و تنها براساس فنون درسي نباشد بلكه به دانش‌آموزان اجازه بدهد تا پاسخهاي مختلفي از منابع متنوع آموزشي براي آنها داشته باشند؛ اين امر سبب مشاركت فعال دانش‌آموزان در كلاس و افزايش انگيزة آنها به مطالعه خواهد شد.

«باب الحوائجي» (1366: 36) اظهار مي‌دارد كشورهاي پيشرفته جهان و كشورهاي در حال رشد سالهاست در نظام آموزشي خود از روش تك كتابي استفاده نمي كنند و به منظور تكميل برنامه هاي درسي، از مطالب خواندني مكمل بهره مي‌گيرند، زيرا كودك و نوجوان كنجكاو، سؤالهاي بي‌شماري را دربارة خود و محيط پيرامونش دارد كه هرگز كتابهاي درسي معلمان نمي توانند به همة آنها پاسخ گويند.

در دنياي امروز، وظيفه آموزش و پرورش صرفاً به پايان رساندن برنامة درسي سالانه نيست و ديگر نمي‌توان كودك و نوجوان را به چند كتاب درسي محدود كرد. ذهن جستجوگر دانش‌آموز، از معلم و مدرسه مي‌خواهد براي پاسخ به پرسشهاي بي‌شماري كه حاصل پيشرفت حيرت‌انگيز دانش و اكتشافات و اختراعات امروز است، منابع پاسخگويي متنوعي را در كتابخانه‌هاي مدارس براي آنها فراهم آورند. تنها به كمك مدرسه مي‌توان محدوديتهاي آموزشي را مرتفع ساخت. وابستگي شديد به كتابهاي درسي و استفاده صرف از حافظه دانش‌آموزان، دليلي بر كم‌دانشي و اعتماد نداشتن به نقش معلم است. معلمي كه از منابع كتابخانه‌اي بهره نمي‌گيرد، نگران است كه مطالعة كتابهاي غير درسي، پرسشهايي را در ذهن دانش‌آموز ايجاد كند كه از حيطه معلومات او خارج است.

روشهاي مختلف تدريس، در واقع شيوه‌ها و شگردهاي گوناگوني هستند كه معلم براي رساندن اطلاعات به دانش‌آموزان به كار مي‌گيرد. در روشهاي مختلف تدريس مانند پرسشي، مباحثه، علمي و تجربي، عمليات آزمايشگاهي و بازيابي فكري، عمل اطلاع‌رساني انجام مي شود. اگر معلم از منابع كتابخانه‌اي به عنوان منابع اطلاعات استفاده و در رساندن اطلاعات به دانش‌آموزان نقش رهبري را ايفا كند، مجموعه اطلاعات گردآوري شده در ذهن دانش‌آموز، با يكديگر مرتبط مي‌شوند. در نتيجه، دانش‌آموز تحت تأثير مجموعه‌اي وسيع از اطلاعات قرار مي‌گيرد. مطالعة مقايسه‌اي كتابخانه‌هاي مدارس بريتانيا و تهران كه توسط «آسايشي» در سال1386 انجام شد، نشان داد در بريتانيا كتابخانه‌هاي مدارس، در اين حوزه‌ها پيشرفته و تكامل يافته هستند.

«صديق بهزادي» (1379: 184) مي‌نويسد: «در بريتانيا، كتابخانه‌ها به عنوان يك نياز اصلي در آموزش مطرح هستند. مواد سمعي و بصري با توجه به آموزشگاه‌هاي جديد گسترش يافته و تعاملي بسيار خوب بين كتابداران مدارس و معلمان وجود دارد. به دليل وجود روشهاي تدريس فعال كه در آن دانش‌آموزان مشاركت فعال در كلاس دارند، كتابخانه‌هاي مدارس فعال و پويا شده‌اند؛ اما در دبيرستانهاي تهران به دليل روشهاي تدريس معلم محور و آموزش يكسويه، عملاً ضرورت وجود كتابخانه در مدارس احساس نمي‌شود. دبيران متوسطه شيراز فقط به مطالب درسنامه‌ها اكتفا مي‌كنند و كمتر از20% آنها دانش‌آموزان را به كتابخانه ارجاع مي‌دهند». او بي‌رغبتي به مطالعه و پويا نبودن كتابخانه‌ها را ناشي از شيوه‌هاي تدريس متكي بر درسنامه‌ها مي‌داند (صديق بهزادي، 1379: ص153).

«مهدي‌فر» (1375) در يك مطالعة نيمه تجربي به اين نتيجه رسيد كه آموزش استفاده از كتابخانه، بر ميزان توانايي استفاده‌كنندگان مؤثر است. (صديق بهزادي ،1379: ص303). خسروي در پژوهشي با عنوان «آسيب‌شناسي مطالعه در كشورهاي جنوب» مي‌گويد نظام آموزشي تك محور است و معمولاً بر اساس يك كتاب و يا يك جزوه درسي شكل مي گيرد، و معلم و دانش آموز خود را از هر گونه مراجعه به ديگر منابع اطلاعاتي بي‌نياز مي‌بينند. بويژه در مراحل آغازين تحصيل، هيچ ارجاعي به كتابهاي درسي صورت نمي‌گيرد. در مراحل بعدي، حتي در سطوح عالي، مراجعه به كتابهاي غير درسي و منابع اطلاعاتي حالتي صوري دارد و بيشتر براي رفع تكليف انجام مي‌شود تا انجام وظيفه. پژوهشها نشان مي‌دهند افرادي كه در مراحل نخستين تحصيل به سوي كتاب هدايت شده و به مطالعه روي آورده‌اند، در مراحل ديگر تحصيل نيز به كتاب و كتابخانه بيشتر مراجعه مي‌كند. به نظر «خسروي» (1381: 26-21)، نظام آموزش و پرورش ايران به گونه‌اي است كه ساختار متون درسي آن درون‌زا نيست؛ به همين علت دانش‌آموزان از خواندن آن لذّت نمي‌برند. در اين نظام، دانش‌آموز بيشتر براي رفع تكليف مطالعه مي‌كند. به طور مثال، در درس ادبيات كه حاوي ملموس‌ترين و غني‌ترين مفاهيم حياتي است، معلمان معمولاً به خود ادبيات نمي‌پردازند، بلكه چنان به تاريخ ادبيات و دستور زبان خشك و بدون استفاده پرداخته مي‌شود كه ذوق دانش‌آموز خشك مي‌شود و عملاً هيچ انگيزه‌اي براي ادامه راه باقي نمي‌ماند.

**ادبيات تحقيق در خارج**

«كنوما» (1994) مي‌نويسد: «در نظام آموزش و پرورش كوبا، كتابداران مدارس بخشي از كاركنان آموزشي محسوب مي‌شوند؛ بدين معنا كه كتابخانه ها نيز مثل مدارس در هدفهاي آموزشي سهيمند و خود را با خصوصيات ويژه در هر مقطع تحصيلي سازگار كرده‌اند. به منظور ايجاد هماهنگي ميان معلمان و كتابداران و براي دستيابي به هدفهاي آموزش و پرورش از طريق انجام فعاليتهاي ويژه‌اي كه طي آن دانش‌آموزان بتوانند به طور جمعي يا انفرادي با منابع كتابخانه كار كنند، برنامه‌هايي در دست انجام است. دانش‌آموزان، با راهنمايي كتابدار آموزشگاهي براي كسب اطلاعات لازم جهت انجام تكاليفشان از مدارك موجود استفاده مي‌كنند و هدف ديگر اين استفاده، بسط و غناي ديدگاه‌هاي فرهنگي آنان است. يكي از هدفهاي مهم كتابدار كتابخانه‌هاي آموزشگاهي، برانگيختن عادت مطالعه است. با بهره‌گيري از فعاليتهاي فرهنگي و تفنني و كمك آموزشي، كتابدار مي‌تواند خدمات مشاوره‌اي ارائه دهد و اين خدمات نه تنها دانش‌آموزان را در گزينش موادي كه پاسخگوي نيازهاي اطلاعاتي و اوقات فراغت آنهاست ياري مي‌كند، بلكه آنان را به مطالعة مطالبي كه موجب استفادة مؤثر از ايام فراغت و لذت خواندن مي‌شود نيز ترغيب مي‌كند.

انعطاف مراكز آموزشي در زمينة تغيير نظام مدارس بر مبناي نيازها و ويژگيها، اين امكان را فراهم مي‌سازد كه مراكز مذكور، برنامة دانش‌آموزان را به گونه‌اي تنظيم كنند كه ايشان بتوانند به كتابخانه مدارس مراجعه كنند.

در مدارس ابتدايي و مدارس كودكان استثنايي، استفادة مكرر كودكان از كتابخانه در برنامه مدرسه گنجانيده شده است و هر مدرسه مي‌تواند در برنامه‌اش ساعات ثابتي را براي حضور دانش‌آموزان جهت استفاده از منابع كتابخانه، تدريس درسها با همكاري معلمان و كتابداران و انجام فعاليتهاي عملي ديگر از كتابخانه، در برنامة مدرسه بگنجاند. همچنين، مي‌توان برنامه‌هاي انفرادي را به منظور تشويق استفادة هدايت شده از كتابخانه برنامه‌ريزي كرد. دانش‌آموزان در همه واحدها مي‌توانند در اوقات آزادشان از كتابخانه استفاده كنند و در مدارس شبانه‌روزي اين خدمات تا ساعاتي از شب ادامه مي‌يابد. (كنوما،1994ص.134-135).

در دايرة‌المعارف كتابداري و اطلاع‌رساني در مقاله‌اي با عنوان «مدلهاي بين‌المللي توسعه كتابخانه‌هاي مدارس» از سه مدل كتابخانه سخن مي‌رود: مدل آمريكايي، مدل بريتانيايي و تركيبي از اين دو مدل. در ايالت متحده آمريكا، كانادا، استراليا و دانمارك، كتابخانه‌هاي مدارس جزء جدايي ناپذير آموزش هستند و به عنوان آزمايشگاه يادگيري معروفند. اين كتابخانه‌ها در مدارس بسيار پويا و فعّال هستند. كتابخانه‌هاي مدارس با مدل آمريكايي داراي خصوصيات زير هستند:

- هر مدرسة تازه تأسيس، داراي يك كتابخانة مستقل همراه با منابع اطلاعاتي متنوع است. كتابخانه‌ها از نظر منابع در جهت عميق و غني كردن برنامه‌هاي آموزشي مدرسه تجهيز شده‌اند.

- كتابخانه‌هاي مدارس با برنامه‌هاي آموزشي مدرسه گره خورده‌اند، به طوري‌كه هركدام بدون ديگري بي‌معنا هستند.

- كتابخانه‌هاي مدارس به عنوان مركز رسانه‌ها عمل مي‌كنند؛ بدين معنا كه مواد آموزشي مختلف با فرمتهاي مختلف از قبيل: كتاب، مجله، فيلم استريب، نوارهاي ويديويي، پوستر و منابع الكترونيكي به كمك مطالعات بيشتر را در دانش‌آموزان ايجاد مي‌كند.

- كتابداران مدارس وظايف دوگانه دارند؛ يعني علاوه بر وظايف اصلي خود، در امر آموزش دانش‌آموزان، با معلمان همكاري نزديكي دارند.

- كتابداران مدارس از نظر تهية منابع سازماندهي مواد و خدمات كتابخانه‌اي، زير نظر انجمن مركزي كتابداران مدارس هدايت و رهبري مي‌شوند.

- دولت مركزي به كتابخانه‌هاي مدارس توجه ويژه‌اي دارد و در تخصيص بودجه به منظور تجهيز منابع و امكانات، هميشه از كتابخانه‌هاي مدارس حمايت كرده است.

يكي ديگر از مدلهاي بين‌المللي براي توسعه كتابخانه‌هاي مدارس و فرهنگ مطالعه، مدل بريتانيايي توسعة كتابخانه‌هاي مدارس است. اين مدل داراي ويژگيهاي زير است:

- كتابخانه‌هاي مدارس با ارتباط نزديكي كه با كتابخانه‌هاي عمومي دارند، نقصها و كاستيهاي منابع اطلاعاتي خود را از طريق كتابخانه عمومي مجاور مدارس، با شيوة امانت بين كتابخانه‌اي برطرف مي‌كنند.

- در اين مدل، وظايف كتابداران مدارس بسيار سنگين است. كتابداران بايد منابع درخواستي دانش آموزان را از طريق امانت بين كتابخانه‌اي، از كتابخانه‌هاي عمومي فراهم كنند.

- كتابداران كتابخانه‌هاي عمومي، آموزشهاي لازم به معلمان و دانش‌آموزان را از منابع مختلف كتابخانه‌اي، ارائه مي‌كنند. در اين مدل، دانش‌آموزان بيشتر به صورت سرگرمي مطالعه مي‌كنند، زيرا معلمان كتاب محورند و آموزشهاي لازم را جهت استفاده از منابع مختلف كسب نكرده‌اند.

مقاله مورد نظر، يك مدل تركيبي از دو مدل آمريكايي و بريتانيايي براي فعال شدن كتابخانه‌هاي مدارس و توسعه فرهنگ مطالعه ارائه مي‌دهد (knut,2002:pp.261-272).

در طرح ملي كشور نروژ با عنوان «فضاسازي براي خواندن» كه براي توسعة مطالعه در كشور از سال 2004 آغاز شده است، بيشترين تأكيد بر همكاري كتابداران مدارس شده است. كتابداران مدارس با تشويق دانش‌آموزان به مطالعه، غني كردن منابع كتابخانه‌اي و روزآمد كردن كتابها از طريق همكاري با كتابخانه‌هاي عمومي، نقش برجسته‌اي را ايفا مي‌كنند. كتابداران مدارس در همة سطوح با همكاري معلمان توانسته‌اند زمينه‌هاي توسعة فرهنگ مطالعه را فراهم آورند. آنها توانسته‌اند از طريق امانت بين كتابخانه‌اي، از كتابخانه‌هاي عمومي همجوار خود مواد خواندني مورد نياز دانش‌آموزان و معلمان را فراهم آورند و بدين طريق در فعّال نمودن كتابخانه‌هاي مدارس خود و بالا بردن انگيزه‌هاي مطالعه دانش‌آموزان و معلمان موفق بوده‌اند Satre, 2005:pp.1-5)(Rufste and.

مواردي كه در پيوند با كتابخانه‌هاي آموزشگاهي و نقش آنها در بالابردن اهميت مطالعه عنوان شد، و يافته‌هاي مطالعات انجام شده در ايران كه نمايانگر نابساماني بسيار در كتابخانه آموزشگاهي ايران است، جستجوي راه‌هاي مناسب براي تغيير وضعيت را توجيه مي‌كند و اين موردي است كه اين پژوهش به آن توجه دارد.

**روشها**

در پژوهش حاضر، براي آزمون فرضيه‌ها از روش شبه تجربي استفاده شده است. بدين منظور، دو گروه تجربي و شاهد از هر مدرسه مورد مطالعه، به‌ طور تصادفي انتخاب شدند؛ چهار كلاس به طور تصادفي به عنوان گروه شاهد و چهار كلاس به عنوان گروه تجربي از پايه هاي مختلف.

هفته اول مهر، با همكاري كتابداران براي ثبت تعداد مراجعات دانش‌آموزان اقدام شد. نخست از هر دو گروه (تجربي و شاهد) به مدت يك ماه پيش آزمون به عمل آمد. تعداد مراجعات افراد در هر دو گروه از روي دفاتر ثبت استخراج گرديد. اين ارقام به منزلة نمرات پيش آزمونها در نظر گرفته شد. پس از اين مرحله، روي گروه‌هاي تجربي متغيرهاي مستقل اعمال گرديد و در اين مدت كه حدود 2 ماه طول كشيد، تأثيرهاي مداخله، يعني تعداد مراجعات، از روي دفاتر ثبت كتابخانه شمارش شد. اين موارد، به عنوان نمره‌هاي پس آزمون در نظر گرفته شد. با استفاده از نرم‌افزار spss  و آزمون كاي دو، تست دقيق فيشر فرضيه‌ها مورد آزمون قرار گرفت.

**جامعة آماري**

جامعه آماري پژوهش حاضر را تمامي دانش‌آموزان دبيرستانهاي دخترانه و پسرانة شهر زاهدان كه داراي كتابخانه هستند، تشكيل مي‌دهد. تعداد اين دبيرستانها به 16مورد مي‌رسد. از جامعة آماري فوق، 6 دبيرستان به صورت تصادفي خوشه‌اي به عنوان حجم نمونه انتخاب گرديد.

**يافته‌هاي تحقيق در ارتباط با فرضية يك**

از آنجا كه در مدارس روشهاي تدريس معلمان به گونه‌اي است كه نه به دانش‌آموزان فرصت سؤال و جواب داده مي‌شود و نه به سؤالهاي كتابهاي درسي، از منابع مختلف غيردرسي و زواياي مختلف پاسخ داده مي‌شود، دانش‌آموزان ضرورتي براي مشاركت فعال خود در كلاسنمي‌بينند، انگيزه‌اي در خود احساس نمي‌كنند و از خواندن متون درسي كه رفع تكليف تلقي مي‌كنند، لذت نمي‌برند.

با توجه به اين موارد، فرضيه شماره 1 اين پژوهش مبني بر تأثير مشاركت فعال دانش‌آموزان در كلاس درس و رابطة آن با افزايش فرهنگ مطالعه، مورد آزمون قرار گرفت.

در يك دبيرستان دو نوبته كه در هر يك از پايه هاي اول و دوم و سوم سه شعبه يا بيشتر داشتند، به طور تصادفي، چهاركلاس كه مجموعا 128 نفر بودند، به عنوان گروه تجربي و چهار كلاس ديگر به عنوان گروه كنترل انتخاب گرديد.

نخست به كمك مربي پرورشي مدرسه و دانش‌آموزاني كه نقش كتابدار را هم تا حدودي ايفا مي‌كردند، منابع مختلف كتابخانه‌اي از نظر موضوعي سازماندهي شد.

براي هر كدام از گروه‌هاي مورد آزمون، بر حسب كلاس آنها فصلي در دفتر امانت كتابخانه باز شد. توسط پژوهشگر و همكار طرح كه خود يكي از معلمان بود، آموزشهاي لازم داده شد.

از دهم مهر تا 10 آبان 1384 تعداد دفعات مراجعه هر دو گروه مورد آزمون، به عنوان نمرات پيش آزمون از دفتر امانت كتابخانه استخراج گرديد.

در اين مدت، با نظارت همكار طرح و پژوهشگر دانش‌آموزان، وضعيت مراجعه هر دو گروه مورد آزمون، چه آنهايي كه كتاب به امانت برده بودند و چه آنهايي كه براي يافتن منبعي به كتابخانه مراجعه كرده بودند، به عنوان دفعات مراجعه ثبت مي شد. نتايج مرحله پيش آزمون، در جدول شماره 1 مشاهده مي‌شود.

**جدول1. توزيع فراواني مراجعه به كتابخانه در طي مدت يك ماه قبل از اجراي مداخله**

**تغيير روش تدريس معلمان در مدارس مورد مطالعه**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| مراجعه                       گروه                 فراواني | مراجعه | | عدم مراجعه | | جمع | |
| تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد |
| تجربي | 40 | 6/55 | 3800 | 9/49 | 3840 | 50 |
| كنترل | 32 | 4/44 | 3808 | 1/50 | 3840 | 50 |
| جمع | 72 | 100 | 7608 | 100 | 7680 | 100 |

P=0/34

در اين مرحله، گروه تجربي فقط 40 دفعه به كتابخانه مراجعه كرده بودند. اگر فرض شود هر فرد روزي يك بار به كتابخانه مراجعه كند، در طول يك ماه بايد 3840 بار مراجعه به كتابخانه داشته باشيم. با اين فرض، 3800 نفر به كتابخانه مراجعه نكرده‌اند. در گروه كنترل، بر اساس روش فوق از 3840 بار مراجعه فقط 32 نفر مراجعه كرده‌اند و 3808 نفر مراجعه نكرده‌اند.

آزمون كاي دو، تست دقيق فيشر نشان داد كه هيچ‌گونه تفاوت آماري معناداري قبل از شروع مداخلة متغير مستقل بين دو گروه تجربي و كنترل وجود ندارد، زيرا مقدار p برابر 34/0 و بزرگتر از 05/0 است.

با توجه به اينكه 90% منابع كتابخانه مورد مطالعه در زمينه‌هاي ديني، اجتماعي، تاريخي و ادبي بود، سعي شد در گروه تجربي معلمان پرورشي، ديني و ادبيات در كلاسهاي درس خود به دانش‌آموزان فرصت سؤال و جواب بدهند و مطالب كتابهاي درسي را از زوايا و منابع مختلف بررسي كنند. اين طرح از دهم آبان تا دهم دي به مدت دو ماه (تا اول امتحانات ترم) مورد آزمون قرار گرفت. نتايج تأثير اين متغير در افزايش فرهنگ مطالعه را در جدول شماره 2 مشاهده مي‌كنيد.

**جدول2.** **توزيع فراواني مراجعه به كتابخانه در طي مدت دو ماه بعد از اجراي مداخله**

**تغيير روش تدريس معلمان در مدارس مورد مطالعه**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| مراجعه              گروه                   فراواني | مراجعه | | عدم مراجعه | | جمع | |
| تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد |
| **تجربي** | **590** | **3/94** | **7090** | **1/48** | **7680** | **50** |
| **كنترل** | **42** | **6/6** | **7638** | **9/51** | **7680** | **50** |
| **جمع** | **632** | **100** | **100** | **100** | **15360** | **100** |

                                                                                                    P=0/0001

چنان‌كه مشاهده مي‌شود، در مدت دو ماه در گروه تجربي 590 بار به كتابخانه مراجعه كرده بودند، در حالي كه گروه كنترل فقط 42 بار مراجعه داشتند.

آزمون كاي دو، تست دقيق فيشر نشان داد تفاوت معناداري بين دو گروه مورد آزمون وجود دارد و چون مقدار P=0/0001 و كمتر از 05/0 است، با 095/0 اطمينان مي‌توان گفت، روش تدريس فعّال معلمان در افزايش مراجعه به كتابخانه مؤثر بوده است.

براي اطمينان بيشتر و افزايش قدرت تعميم بيشتر نتايج فرضية 1، آن را در مدرسة ديگري، با همان روشها و خصوصيات مدرسه قبل، مورد آزمون قرار داديم. تنها تفاوت در حجم نمونه‌ها بود. در اين مدرسه، گروه‌هاي مورد آزمون (تجربي و كنترل) هر كدام 120 نفر بودند. نتايج يافته‌ها در جدولهاي 3 و 4 مشاهده مي‌شود.

**جدول3.** **توزيع فراواني مراجعه به كتابخانه قبل از اجراي طرح مداخله تغيير روش تدريس**

**به مدت يك ماه در هر يك از گروه‌هاي مورد آزمون**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| مراجعه               گروه                   فراواني | مراجعه | | عدم مراجعه | | جمع | |
| تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد |
| **تجربي** | **24** | **4/44** | **3576** | **50** | **3600** | **50** |
| **كنترل** | **30** | **6/55** | **3570** | **50** | **3600** | **50** |
| **جمع** | **5** | **100** | **7146** | **100** | **7200** | **100** |

                                                                                            P= 0/41

آزمون كاي دو، تست دقيق فيشر هيچ‌گونه تفاوت آماري معناداري را بين دو گروه قبل از مداخلة متغير مستقل نشان نمي‌دهد، زيرا مقدار  P= 0/41 بيشتر از 05/0 است.

**جدول 4. توزيع فراواني مراجعه به كتابخانه پس از اجراي طرح تغيير روش تدريس**

**در هريك از گروه‌هاي مورد آزمون**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| مراجعه               گروه                   فراواني | مراجعه | | عدم مراجعه | | جمع | |
| تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد |
| **تجربي** | **278** | **3/85** | **6922** | **2/49** | **7200** | **50** |
| **كنترل** | **48** | **7/14** | **7152** | **8/50** | **7200** | **50** |
| **جمع** | **326** | **100** | **14074** | **100** | **14400** | **100** |

                                                                                        P=0/00001

با توجه به مقدارP كه كوچكتر از 05/0 است، آزمون كاي دو، تست دقيق فيشر نشان داد تفاوت آماري معناداري پس از اجراي طرح تغيير روش تدريس بين دو گروه وجود دارد.

پس فرضيه 1 مبني بر شيوة تدريس معلمان به گونه‌اي كه مشاركت فعال دانش آموزان را فراهم آورد و در فعّال نمودن كتابخانه‌هاي مدارس و توسعة فرهنگ مطالعه مؤثر باشد، تأييد گرديد.

**يافته‌هاي تحقيق در ارتباط با فرضية 2**

با توجه به نقش بالقوة كتابداران علاقه‌مند و متخصص در توسعة فرهنگ مطالعه در بين دانش‌آموزان، فرضية 2 پژوهش حاضر مطرح شد. اين فرضيه بيان مي‌كرد كه كتابداران متخصص درمدارس با معرفي منابع و آموزش استفاده از آن و تأمين منابع مورد نياز معلمان و دانش‌آموزان از طريق امانت بين كتابخانه‌اي، سبب فعال شدن كتابخانه و توسعة فرهنگ مطالعه مي شوند.

لذا در جامعة مورد مطالعه، از كتابدار مدرسه مورد مطالعه خواسته شد به طور تصادفي در 4 كلاس از پايه‌هاي مختلف به تبليغ و آموزش منابع كتابخانه‌اي بپردازند. كتابهاي كمك آموزشي، داستان، مجله‌هاي علمي و ادبي كه مي‌توانستند از كتابخانه عمومي همجوار امانت بگيرند، به اين دانش‌آموزان معرفي شد. اين آموزشها دو ماه، هفته‌اي يك تا دو جلسه در پايه‌هاي مختلف گروه‌هاي تجربي ادامه داشت.

تعداد هر كدام از گروه‌هاي مورد آزمون (تجربي و كنترل) در جامعه مورد مطالعه 120 نفر بود كه به طور تصادفي از پايه هاي مختلف انتخاب شده بودند. نتايج حاصل از آزمون فرضيه در جدولهاي شماره 5 و 6 مشاهده مي‌شود.

**جدول5. توزيع فراواني مراجعه به كتابخانه قبل از اجراي طرح مداخله‌اي آموزش و خدمات كتابخانه‌اي توسط كتابدار به دانش‌آموز در هر يك از گروه‌ها به مدت يك ماه**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| مراجعه               گروه                   فراواني | مراجعه | | عدم مراجعه | | جمع | |
| تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد |
| **تجربي** | **25** | **6/55** | **3575** | **50** | **3600** | **50** |
| **كنترل** | **20** | **4/44** | **3580** | **50** | **3600** | **50** |
| **جمع** | **45** | **100** | **7151** | **100** | **7200** | **100** |

                                                                                              P= 0/6

يافته‌هاي جدول 5 نشان مي‌دهد گروه تجربي در مرحلة پيش آزمون 25 بار و گروه كنترل 20 بار به كتابخانه در مدت يك ماه مراجعه كرده بودند.

اگر فرض كنيم هر نفر از گروه‌هاي مورد آزمون احتمال يك بار در ماه رجوع به كتابخانه را پيدا كند، افرادي كه از گروه تجربي به كتابخانه مراجعه نكرده‌اند، 3575 نفر و افرادي كه از گروه كنترل مراجعه نكرده‌اند، 3580 نفر است. براي بررسي معنادار بودن تفاوت بين دو گروه آزمون كاي 2 تست دقيق فيشر نشان داد اين تفاوت معنادار نيست، زيرا مقدار p بزرگتر از 05/0 است.

**جدول 6. توزيع فراواني مراجعه به كتابخانه بعد از اجراي طرح مداخلة آموزش و خدمات كتابخانه اي به دانش آموزان در هر يك از گروه‌ها در مدت 2ماه در جامعة مورد مطالعه**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| مراجعه               گروه                   فراواني | مراجعه | | عدم مراجعه | | جمع | |
| تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد |
| **تجربي** | **292** | **5/88** | **6908** | **1/49** | **7200** | **50** |
| **كنترل** | **38** | **5/11** | **7162** | **9/50** | **7200** | **50** |
| **جمع** | **330** | **100** | **14070** | **100** | **14400** | **100** |

                                                                                        P= 0/0001

چنانكه در جدول شماره 6 مشاهده مي‌شود، پس از دو ماه آموزش استفاده از منابع و تهية مواد كتابخانه‌اي از كتابخانة عمومي همجوار و تبليغ در مورد كتاب و كتابخواني توسط كتابدار متخصص جامعه مورد مطالعه، يافته‌هاي جدول 6 از طريق دفتر امانت جمع‌آوري شد.

مشاهده مي‌كنيم دانش آموزان 292 بار در گروه تجربي به كتابخانه مراجعه داشته‌اند، درحالي كه در گروه كنترل 38 دفعه به كتابخانه مراجعه كرده بودند.

آزمون كاي 2، تست دقيق فيشر نشان داد بين دو گروه مورد آزمون تفاوت معناداري وجود دارد، زيرا مقدار p كوچكتر از 05/0 است. به عبارت ديگر، با اطمينان 95% مي‌توان ادعا كرد وجود كتابدار فعال و متخصص در افزايش فرهنگ مطالعه مؤثر است. پس فرضيه «2» تأييد مي‌شود.

**يافته‌هاي تحقيق در ارتباط با فرضية 3**

در نظام آموزشي كشورهاي پيشرفته، كتابخانه‌هاي مدارس نوعي آزمايشگاه تلقي مي‌شوند كه مواد آن را منابع اطلاعاتي تشكيل مي‌دهند، ابزارها و وسايل آن مواد اطلاعاتي مكمل درسي، كتاب‌شناسيها، منابع مرجع و منابع الكترونيكي هستند. هر كس به كتابخانه مراجعه مي‌كند، مسئله‌اي دارد كه مايل است آن را با استفاده از منابع موجود در كتابخانه حل كند.

معلم و كتابدار موقعيتي در كلاس پديد مي آورند كه دانش آموزان مي توانند فعالانه در آن مشاركت جويند. به نظر مي‌رسد در مدارسي كه فضاي كتابخانه مطلوب و منابع اطلاعاتي درسيِ مكمل به اندازة كافي موجود است، چنانچه ساعاتي از كلاسهاي درسي را معلم در كتابخانه تشكيل دهد و با همكاري كتابدار متخصص در ضمن تدريس، مطالب درسي را از زوايا و ديدگاه‌هاي مختلف بررسي كند و يا شيوه‌هاي جستجوي مطالب مختلف را از منابع كتابخانه‌اي آموزش دهد، انگيزه‌هاي مطالعه در چنين فضايي افزايش مي‌يابد و شيوه‌هاي يادگيري ماندگاري را به وجود مي‌آورد.

لذا، در پژوهش حاضر، تشكيل بعضي از كلاسهاي درسي معلمان به مدت دو ماه در كتابخانة يكي از مدارس كه براي اين امر مناسب بود، مورد آزمون قرار گرفت.

معلمان و كتابداران ضمن ديدن يك دورة آموزش كوتاه مدت به طور تصادفي از هر پايه اي يك كلاس را به مدت دو ماه در كتابخانه تشكيل دادند. اين كلاسها بيشتر درسهاي ديني و قرآن، پرورشي، تاريخ و علوم اجتماعي و ادبيات بود. دليل اين انتخاب، وجود منابع مكمل آموزشي نسبتاً كافي در اين زمينه‌ها تشخيص داده شد.

هر كدام از گروه‌هاي مورد آزمون تجربي و كنترل، با حجم نمونة 100 نفري انتخاب شده بودند.

نتايج اين يافته‌ها در جدولهاي 7 و 8 مشاهده مي‌شود.

**جدول 7. توزيع فراواني دفعات مراجعه قبل از اجراي طرح تشكيل بعضي از كلاسها**

**در كتابخانه در هريك از گروه‌هاي مورد آزمون در طول مدت يك ماه در جامعة مورد مطالعه**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| مراجعه               گروه                   فراواني | مراجعه | | عدم مراجعه | | جمع | |
| تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد |
| **تجربي** | **23** | **5/57** | **2977** | **9/49** | **3000** | **50** |
| **كنترل** | **17** | **5/42** | **2983** | **1/50** | **3000** | **50** |
| **جمع** | **40** | **100** | **5960** | **100** | **6000** | **100** |

جدول شماره 7 نشان مي‌دهد مراجعه‌كنندگان در دورة پيش آزمون در گروه تجربي 23 بار و در گروه كنترل 17 بار به كتابخانه مراجعه كرده‌اند.

با فرض بر اينكه هر فرد از اعضاي گروه‌هاي مورد آزمون حداقل مي توانستند يك بار در روز به كتابخانه مراجعه كنند، تعداد افرادي كه در گروه تجربي به كتابخانه مراجعه نكرده‌اند 2977 نفر و در گروه كنترل 2983 نفر بوده‌اند.

آزمون كاي 2 تست دقيق فيشر نشان داد بين دو گروه مورد آزمون پيش از مداخلة آزمايشي، تفاوت معناداري وجود ندارد، زيرا مقدار P= 0/34 و بيشتر از 05/0 است.

**جدول 8. توزيع فراواني دفعات مراجعه پس از اجراي طرح تشكيل بعضي از كلاسها**

**در كتابخانه در هر يك از گروه‌هاي مورد آزمون به مدت دو ماه**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| مراجعه               گروه                   فراواني | مراجعه | | عدم مراجعه | | جمع | |
| تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد |
| **تجربي** | **285** | **2/87** | **5715** | **49** | **6000** | **50** |
| **كنترل** | **42** | **8/12** | **5958** | **51** | **6000** | **50** |
| **جمع** | **327** | **100** | **11673** | **100** | **12000** | **100** |

                                                                                         P= 0/0001

مشاهده مي‌كنيم كه بعد از مداخلة متغير در گروه تجربي، تعداد مراجعه‌كنندگان در جامعه مورد مطالعه به 285 بار و در گروه كنترل به 42بار رسيده است. P= 0/0001

آزمون كاي دو تست دقيق فيشر نشان داد تفاوت آماري معناداري بعد از اجراي طرح بين دو گروه وجود دارد. به عبارت ديگر، چون مقدارP كمتر از 05/0 است، با ضريب اطمينان 95/0 مي‌توان گفت تشكيل بعضي از كلاسهاي درس در كتابخانة جامعه مورد مطالعه، در افزايش تعداد مراجعه كنندگان به كتابخانه مؤثر بوده است.

لذا، فرضيه 3 پژوهش تأييد مي‌شود.

**نتايج و بحث**

پژوهش حاضر، يكي از راهكارهاي عملي براي فعّال شدن كتابخانه‌هاي مدارس موجود را تغيير روشهاي تدريس معلمان و مشاركت دادن فعال دانش‌آموزان در امر تدريس فرض كرده بود كه مورد تأييد واقع شد. يعني، اگر معلمان در درسهايي كه منابع مكمل كافي در كتابخانه‌هاي مدارس موجود است، سؤالهاي كتابهاي درسي را بر مبناي محتواي كتابهاي غير درسي و از زواياي مختلف ارائه دهند، انگيزه براي بحث و مطالعة بادوام را فراهم مي‌آورند. اگر چه تحقيقاتي عملي در اين زمينه در ايران انجام نشده، اما نتايج فرضية 1 پژوهش، بحثهاي نظري متخصصان را در اين باره تأييد مي‌كند.

پژوهشهاي «مفتخر» (1352)، «بيگدلي» (1360)، «شعباني» (1381) و «باب‌الحوائجي» (1366) همگي به اين نتيجه رسيده‌اند كه يكي از عوامل مؤثر در فعّال شدن كتابخانه‌هاي مدارس و توسعة فرهنگ و مطالعه، پاسخ به منابع درسي از طريق منابع غير درسي مكمل و بررسي آن از زوايا و ديدگاه‌هاي مختلف است.

راهكار دومي كه براي فعّال شدن كتابخانه‌هاي مدارس ارائه شد، آزمون فرضيه‌اي بود كه بيان مي‌كرد اگر كتابداران متخصص و علاقه‌مند در كتابخانه‌هاي مدارس به كار گرفته شوند تا منابع كتابخانه‌ها روزآمد شود، دانش‌آموزان آموزشهاي لازم جهت استفاده از منابع را ببينند و از طريق امانت بين كتابخانه‌اي منابع مورد نياز دانش‌آموزان را از كتابخانه‌هاي عمومي مجاور فراهم كنند، انگيزة مطالعه در دانش‌آموزان افزايش پيدا خواهد كرد و كتابخانه‌هاي مدارس فعّال خواهد شد. آزمون اين فرضيه مورد تأييد قرارگرفت.

پژوهشهاي انجام شده در كوبا و نروژ كه به منظور پويايي كتابخانه‌هاي مدارس انجام شد و در ادبيات تحقيق به آنها اشاره گرديد، با نتايج يافته‌هاي پژوهش حاضر همخوان هستند.

مدلهاي ارائه شده به منظور فعال شدن كتابخانه‌هاي مدارس، مدل آمريكايي و انگليسي كه در ادبيات تحقيق به آن اشاره شد نيز بر آن است كه به‌كارگيري كتابدار متخصص و علاقه‌مند كه بتواند در تعامل با دانش‌آموز و معلم نيازهاي مطالعاتي آنها را شناسايي نمايد و منابع اطلاعاتي مورد نياز را از طريق امانت بين كتابخانه‌اي و ... فراهم آورد، موجب توسعة فرهنگ مطالعه مي‌شود.

تحقيقات انجام شده در ايران نشان مي‌دهد در حد بسيار كمي از «كتابدار معلم» در مدارس استفاده مي‌شود و اين خود سبب هدايت نادرست مراجعان و به كار نگرفتن فنون لازم براي جذب و جلب خوانندگان بالقوة كتاب مي‌گردد و يكي از عوامل بسيار مؤثر در عدم توسعه فرهنگ مطالعه در كشور به شمار مي‌رود. (زرافشان،1372)

**پيشنهادها**

پيشنهادهاي زير براي فعّال شدن كتابخانه هاي مدارس ارائه مي شود:

- به كار گيري كتابداران متخصص و آموزش ديده در كتابخانه هاي مدارس

- مشاركت دادن فعّال دانش‌آموزان در مباحث كلاس و بررسي مطالب درسي از زواياي مختلف به منظور يادگيري پايدار

- استفاده از منابع كتابخانه‌هاي عمومي همجوار از طريق امانت بين كتابخانه‌اي توسط كتابداران مدارس

- تشكيل بعضي از كلاسهاي درس در كتابخانه‌هايي كه فضاي كافي و مناسب و منابع اطلاعاتي متنوع دارند.

**منابع**

- استيگر رالف (1377). شيوه‌هاي مطالعه، ترجمة علي شكويي، تهران: دبيرخانه هيئت امناي كتابخانه‌هاي عمومي كشور.

- باب‌الحوائجي، فهيمه (1366). علل عدم تداوم و پويايي كتابخانه هاي دبيرستاني در ايران. پايان نامه فوق ليسانس كتابداري، دانشكده علوم تربيتي، دانشگاه تهران.

- بيگدلي، زاهد (1360). طرح پيشنهادي براي تربيت كتابدار آموزشگاهي در شرايط فعلي- استاد راهنما: طاهره علومي، پايان‌نامه كارشناسي ارشد دانشگاه تهران، دانشكده علوم تربيتي.

- جوكار، عبد الرسول (1374). بررسي كتابخانه هاي مدارس استان فارس، مجله علوم انساني و اجتماعي دانشگاه شيراز، دوره 11، پاييز 74، ص95.

- خسروي، فريبرز (1370). بررسي وضعيت كتابخانه‌هاي دبيرستاني كشور و ارائه راه‌حل‌هايي براي پويايي آنها، پايان‌نامه كارشناسي ارشد، تهران: دانشگاه تربيت مدرس، دانشكده علوم انساني.

- خسروي، فريبرز (1381). مقدمه‌اي بر آسيب‌شناسي مطالعه در كشورهاي جنوب، فصلنامه كتاب، دروه سيزدهم، شماره سوم.

- زرافشان علي (1372). بررسي وضعيت مطالعه غيردرسي دانش‌آموزان كشور، پايان‌نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني، دانشگاه تهران، دانشكده علوم تربيتي.

- شعباني، احمد (1381). مطالعات غير درسي دانش‌آموزان دورة متوسطه و شناسايي عوامل مؤثر بر آن از نظر دانش‌آموزان شهرضا، فصلنامة كتاب، دوره سيزدهم، شماره دوم.

- صديق بهزادي، ماندانا (1379). چكيده پايان‌نامه كتابداري، كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران، مركز اطلاع‌رساني و خدمات علمي جهاد سازندگي.

- كنوما، مرسدس آلفونسو (1374). كتابخانة آموزشگاهي در كوبا منبعي براي آموزش، ترجمة فريبرز خسروي، گزيده مقالات ايفلا 1994. تهران: كتابخانه ملي.

- گالر، اي، ام و ديگران (1378). «سواد اطلاعاتي: الگويي براي استفاده در كتابخانه‌هاي آموزشگاهي»، ترجمة مهدي داودي، گزيده مقالات ايفلا 97، زير نظر عباس حري، تهران: كتابخانه ملي.

- نشاط، نرگس و عباس حري (1383). كتابخانة آموزشگاهي در مدرسة كتابخانه‌مدار، شبكه كتاب.

- نيك‌پناه، محمدرضا (1380). بررسي كتابخانه‌هاي مدارس استان سيستان و بلوچستان، زاهدان: آموزش و پرورش استان، پژوهشكده تعليم و تربيت.

- knut, Rebeca. (2002). " International Models of school library development."

- Encyclopedia of library and information science. Vol. 70. New York, marcel Dekeer ,. PP. 261- 272.

- Rafste, Elisabeth Tallaksen, Satre, Tove Pemmer, (2005) "Norwegian policy; empowering school libraries", IFla, Oslo.Avliable in: [http://www](http://www/). Ifla. Org/ IV/ifla71/ programme. htm